

حق حیات از منظر قرآن و حدیث

تحریر کننده: صفالرحمن سیفی

حیاء ضد موت و حی ضد میت است، حیات در کلام الله مجید به حیات عادی انسان و حیوان و نبات، و به حیات دینی و ایمانی گفته شده است.

امام راغب می نگارد: حی به چند وجه استعمال میشود.

برای قوت نامیه که در نبات و حیوان است در موجود مانند اینکه الله متعال می فرماید: «و هر چیز زنده‌ای را از آب قرار دادیم.» (الانبیاء، آیه ۳۰)

برای قوت حساس و به همین علت حیوان را حیوان گویند.

برای قوت عامله عاقله و هم چنان برای از بین بردن غم نیز استعمال شده است. حیاتی که الله متعال به آن توصیف میشود، حیات اخروی ابدی استعمال شده است.

حیات در اصطلاح: هیچ کس نتوانسته از حیات تعریف جامع و مانعی ارائه دهند. اما به هر حال تعریف هایی ارائه داده اند. بیشا (Bicha) از علمای زیست شناسی میگوید: حیات مجموعه ای است که در برابر مرگ مقاومت می کند.

بکلارنیز در تعریف حیات می نگارد: به طور کلی حیات در این خلاصه می شود که بدن موجود زنده برای مدتی معین مرکزی است که مواد خارجی لازم وارد آن می شود و موادی که برایش زاید است از آن خارج می گردد. پروفیسور روویر H. Rouvier در تعریف حیات گفته: حیات یک حالت پویایی (دینامیک) است که از اسلاف به اعقاب ادامه پیدا میکند و به جز از خودش از چیز دیگری پدید نمی آید، و بالاخص به موجودی تعلق دارد که بر پا دارنده آن است و حتماً با همگامی فعالیت های مختلف سلولی که به نحوی درخشان سبب جاودانی حیات می گردد، مشخص می شود.

علامه طباطبایی از علمای فلاسفه مسلمان می نویسد: الحیاء فی ما عندنا من اقسام الحیوان کون الشیء بحیث یدرک و یفعل زندگی در انواع حیوان که ما می بینیم این است که چیزی به گونه ای باشد که درک کند و فعالیت انجام دهد.

محقق قوشجی از علمای کلام نیز شبیه همین تعریف را دارد: و اختلفوا فی معنی الحیاء، فقال جمهور المتکلمین انها صفة توجب صحة العلم و القدرة. و قال حکماء و ابوالحسین البصری: إنها کونه بحیث یصح أن یعلم و یقدر.

جرجای از فقها در این مورد میگوید: بأنها صفة توجب للموصوف بها أن يعلم ويقدر. در این تعریف اگر چه حیات مورد نظر است، نه حی، اما این نیز تعریف و آثار و لوازم حیات است، نه تعریف حقیقت یا ماهیت آن زنده بودن انسان عبارت است از اینکه در مجرای قرار داشته باشد که فطرت، او را بسوی آن مجری هدایت می‌کند، مثل اینکه دارای عقلی سلیم و نفسی زکیه و مهذب باشد، و بهمین جهت است که قرآن شریف دین را حیات بشر خوانده، چون قرآن دین حق را که همان اسلام است، عبارت می‌داند از فطرت الهی.

واژه حیات در قرآن

در قرآن کریم واژه حیات ۷۶ بار به کار رفته است. مفهوم حیات در قرآن شامل همه موجودات زنده می‌شود. در پنج آیه قرآن لفظ حَیّ (زنده) به خدا نیز نسبت داده شده است. واژه حیات در قرآن چندگونه به کار رفته است. برخی کاربردهای آن با مفهوم لغوی واژه منطبق است، اما گاهی این واژه به صورت مجازی به کار رفته است، مانند نسبت دادن حیات به زمین مرده که مراد از آن رویدن گیاهان در زمین است.

علوم تجربی تنها از سه نوع حیات نباتی، حیات حیوانی و انسانی سخن گفته اند؛ ولی قرآن دست کم از هفت نوع حیات یاد کرده است حیات انسانی، حیات حیوانی، حیات نباتی، حیات فکری، حیات اجتماعی، حیات آخروی و حیات روحی و ملکوتی از نوع آوری های قرآن است.

حق حیات از جمله حقوق اساسی و طبیعی انسان محسوب می‌گردد، انسان‌ها از بدو پیدایش الی وفات از چنین حقی برخوردار اند، هیچ کسی را مجال نیست که حق حیات شخص دیگر را سلب نماید. ادیان سماوی، ادیان غیر سماوی و قوانین وضعی تجاوز به حق حیات را جرم شناخته و اشد مجازات را برای مرتکبین آن مقرر داشته اند.

در مطلب حاضر حق حیات صرفاً از منظر قرآن کریم و احادیث نبوی ص مورد بررسی قرار می‌گیرد.

۱ - حق حیات در قرآن

از نظر قرآن، که در صدر منابع حقوق اسلامی قرار دارد، کشتن انسان، فارغ از ویژگیهای نژادی، جنسیتی، طبقاتی و اعتقادی، "غیر حق" بوده و کرامت، فضیلت و حرمت این موجود در پیشگاه الهی، به نفس او، باز می‌گردد و تنها کشتن برخی انسانها به منظور پاسداشت و یا صیانت از حق حیات معنوی و مادی دیگر آدمیان، آنهم با شرائطی ویژه "به حق" قلمداد شده است

اسلام گرفتن جان دیگری که حیات و زندگی اوست جرمی ضد تمام انسان‌ها قلمداد می‌کند و در مقابل رهنمیدن

جان از مرگ و نابودی نعمتی برای تمام انسان‌ها قلمداد کرده است. خداوند متعال می‌فرماید:

«هر کسی انسانی را بدون ارتکاب قتل، یا فساد در زمین بکشد، چنان است که گوئی همه انسان‌ها را کشته است، و هر کسی انسانی را از مرگ رهائی بخشد، چنان است که گوئی همه مردم را زنده کرده است.» (مائده، آیه ۳۲)

زندگی موهبتی است که خداوند به بشر ارزانی داشت. هیچ فرد و حکومتی نمی‌تواند این حق را از فرد سلب کند یا آسیبی به جسم و روح او وارد آورد. کشتن هیچ کس بدون مجوز شرعی جایز نیست و صیانت و حمایت از جان و زندگی افراد یکی از وظایف اصلی حکومت است. خداوند «ج» در قرآن می‌فرماید:

«پس به آثار رحمت خدا بنگر که چگونه زمین را پس از مردنش زنده میکند.» (روم، آیه ۵۰)

در این آیه شریفه، حیات گیاهان، درخت‌ها، گل‌ها، و مزارع رحمت خداوندی شمرده شده است. حال که حیات رویدنیها رحمت خداوندی است، بی شک حیات جان داران و والاتر از آن، یعنی حیات انسان‌ها، عالی‌تر و ارزنده‌تر است و همه انسان‌ها حق برخوردار از این رحمت الهی را دارند و هیچ کس نباید مزاحم این حق شود. بنابراین، حق حیات مساوی است با رحمت خداوندی اسلام قطعاً هر عملی را که از حق زندگی بکاهد، حرام کرده است خواه آن عمل ترساندن، اهانت، زدن، بازداشت کردن، تجاوز کردن یا طعنه به آبروی شخص باشد، فرقی نمی‌کند. چون این حق زندگی نعمتی است که خداوند متعال به انسان داده است و آن را با بزرگ‌ترین حصار ضمانتی محصور کرده است. تا آن را از هر تجاوز و دشمنی حمایت کند در اسلام زندگی مادی و ادبی انسان جایگاه رعایت و احترام است و این حقی است که همگی انسان‌ها بدون تمایز و تفرقه از آن برخوردارند خداوند متعال می‌فرماید:

«و در آن مقرر داشتیم که انسان در برابر انسان و چشم در برابر چشم و بینی در برابر بینی و گوش در برابر گوش و دندان در برابر دندان و جراحات‌ها قصاص دارد.» (المائده، آیه ۴۵)

شریعت اسلام تجاوز به این حق را (ناحق) حرام اعلام کرده است. خداوند متعال می‌فرماید:

«و کسی را نکشید که خداوند کشتن او را -جز به حق- حرام کرده است.» (اسراء، آیه ۳۳)

و عقوبت قصاص را برای کسی که به این حق تجاوز کند، در نظر گرفته است. خداوند متعال می‌فرماید:

«در باره گشتگان قصاص بر شما فرض شده است.» (بقره، آیه ۱۷۸)

شریعت اسلام عقوبت قصاص را معتبر دانسته است هر چند که خود قصاص گرفتن جان دیگری و سلب حیات از وی است حیاتی که قضاوت‌هایی در مورد جرم‌ها بر آن مترتب است تا بنیاد مجرمان را بر کند. همان مجرمانی که وقتی عقوبت و مانعی برای انجام جرم نمی‌بینند مسیر را برای ورود دیگران نیز به آن جرم هموار می‌کنند. خداوند متعال می‌فرماید:

«ای صاحبان خرد! برای شما در قصاص، حیات و زندگی است.» (البقره، آیه ۱۷۹)

هر چند که اسلام در دنیا عقوبت‌هایی را برای ادامه زندگی و حمایت و دفاع از این حق گذاشته است و این بخاطر زشتی این کار بوده است، در آخرت نیز عقوبت‌های اخروی گذاشته است که شدیدتر از عقوبت‌های دنیوی می‌باشد. خداوند متعال می‌فرماید:

«وکسی که مؤمنی را از روی عمد بکشد کیفر او دوزخ است و جاودانه در آنجا می‌ماند و خداوند بر او خشم می‌گیرد و او را از رحمت خود محروم می‌سازد و عذاب عظیمی برای وی تهیه می‌بیند.» (النساء، آیه ۹۳)

اسلام در محافظت از این حق بسیار دورنگر بوده است. تا جایی که از خودکشی نیز نهی کرده است و این کار را زشت‌ترین انواع قتل‌ها به شمار آورده است. چون حق حیات و زندگی فقط ملک خداوند می‌باشد که خود هستی بخش و زندگی بخش است. پس تجاوز به آن را حرام کرده است حتی برای کسی که از این حق برخوردار است و خود صاحب حق می‌باشد چون طبیعت انسان این است که بر حفظ جان خود اصرار بورزد. و جز انسان‌های ناامید از رحمت خداوند، هیچ کس کاری را بر آن مقدم نمی‌کند و این زمانی است که خللی در قوای عقلی فرد نباشد. خداوند متعال می‌فرماید: «خودکشی مکنید.» (النساء، آیه ۲۹)

و پیامبر صلی الله علیه وسلم می‌فرماید: کسی که خود را با آلت آهنی بکشد، همان آلت در دستش است در حالی که آن را رو به شکمش گرفته در جهنم به طور ابدی می‌ماند. و کسی که خود را با سم بکشد، با سمی که در دست دارد و آن را احساس می‌کند در آتش جهنم وارد می‌شود و تا ابد می‌ماند و کسی که خود را از کوهی پرت کند تا خودکشی کند، در آتش جهنم پرت می‌شود و تا ابد در آن می‌ماند تا کیدات قرآن بر جلوگیری از خونریزی در زمین یکی از پیمان‌هایی که خداوند از «بنی اسرائیل» گرفت، خودداری از خونریزی بوده است طوری که می‌فرماید: «یاد کنید زمانی را که از شما پیمان گرفتیم که خون خود را نریزید و یکدیگر را از دیار خود بیرون نرانید.» چنین پیمانی فقط مربوط به بنی اسرائیل نیست؛ بلکه در همه شرایع آسمانی این حکم وجود داشته است. نمونه‌ای که در قرآن آمده و به پیامبر (ص) (این قانون خدای متعال را گوشزد می‌کند آیه ۱۵۱ سوره انعام است که می‌فرماید: «بگو: بیایید تا آنچه را پروردگارتان بر شما حرام کرده است برای شما بخوانم و آن اینکه چیزی را شریک او قرار مدهید و به پدر و مادر خود نیکی کنید و فرزندان‌تان را در اثر تنگدستی مکشید، زیرا ما مییم که به شما و آنان روزی می‌دهیم، و به کارهای زشت چه آشکار آن و چه پنهانش نزدیک نشوید، و انسانی را که خدا کشتن او را حرام کرده است جز به حق مکشید. اینهاست که خدا شما را به آن سفارش کرده است، باشد که دریابید.»

همچنین در برخی از آیات دیگر به کسانی که به طور عمدی جان دیگران را می‌گیرند، وعده عذاب سخت و دوزخ داده شده است:

«هرکس مؤمنی را از روی عمد بکشد، سزای او دوزخ است که برای همیشه در آن خواهد ماند و خداوند بر او خشم می‌گیرد و از رحمت خود دورش می‌کند و برای او عذابی بزرگ آماده کرده است.»

بنابراین از نظر قرآن سلب حیات مادی و معنوی انسان‌ها، دارای کیفر و مجازات خواهد بود. لذا اسلام به شدت از حیات انسان دفاع می‌کند و نیز کسانی را که سلب حیات انسان می‌کند برای آن مجازات و کیفر در دنیا و آخرت را مقرر نموده است و بنای عقلاء هم همین است که باید حریم جان و حیات انسانها به شدت مورد احترام قرار گیرد جایگاه حق حیات در نظام حقوقی اسلام هیچ کس تردیدی در این حقیقت ندارد که مالک حیات و موت خداست و انسان کمترین اختیاری در حیات و از دست دادن آن، در حال اعتدال مغزی و روانی، ندارد.

۲ - حق حیات در سنت نبوی

سنت نبوی دومین مرجع حقوقی اسلام آنچنان بر حق حیات پا فشاری نموده است که از بین بردن حیات فردی را بدتر از زوال دنیا معرفی کرده است از براء بن عازب روایت شده پیامبر صلی الله علیه وسلم می‌فرماید: «قطعاً نابودی دنیا بهتر از کشته شدن یک نفر مسلمان است.»

در مورد حمایت از حق حیات احادیث بدون حصر روایت شده که درج آنها موضوع را ممل و مطل می‌کند بناء به پاره از آنها اشاره میکنیم.

همچنین ابودرداء رضی الله از رسول خدا صلی الله علیه وسلم روایت کرده است که فرمود: «شاید خداوند تمام گناهان را ببخشد؛ به جزء کسی که مشرک مرده، یا مومنی که مومن دیگری را به عمد به قتل رسانده باشد.»

طبق این حدیث نبوی مشاهده میشود که قتل یک مسلمان بلافاصله بعد از شرک به خدا آمده و از گناهان نا بخشودنی و برابر با شرک ذکر شده است. یعنی کسی که مسلمانی را به ناحق به قتل برساند، حتی اگر مؤمن هم باشد، در روز قیامت مانند کسی خواهد بود که در حال شرک به خدا مرده است.

«از عبدالله بن عمرو عاص رضی الله عنه نقل شده است که رسول خدا صلی الله علیه وسلم فرمود: کسی که فرد عهد بسته را به قتل برساند، بوی خوش بهشت به مشام وی نخواهد رسید. حال آن که بوی خوش بهشت از فاصله‌ی چهل سال به مشام میرسد.» در روایت دیگری از حضرت ابی بکر رضی الله عنه آمده است که رسول خدا صلی الله علیه وسلم فرمود:

«کسی که فردی از اهل ذمه را به قتل برساند، بوی خوش بهشت به وی نخواهد رسید. حال آن که بوی خوش بهشت از فاصله‌ی چهل سال به مشام میرسد.»

مسلمان و غیر مسلمان از دیدگاه اسلام در حرام بودن خونشان و استحقاق زندگی یکسان هستند. به همین دلیل تجاوز به صلح پذیران اهل کتاب و انکار و فحش دادن به آنها مانند تجاوز به مسلمان است در این مورد پیامبر صلی الله علیه وسلم می فرماید:

«از عبد الله بن عمرو رضی الله عنه روایت شده که رسول الله صلی الله فرمودند: کسی که شخص معاهد و هم پیمانی را بکشد، بوی بهشت را احساس نمی کند...»

ترور در لغت عبارت است از: انجام کاری به صورت پنهان که با ترس همراه است، تروریست به کسی می گوید که عامل آن کار و باعث ایجاد ترس باشد. و در اصطلاح عبارت است از قتل و خونریزی اعمال وحشیانه، ایجاد ترس، استفاده نامشروع از قدرت برای رسیدن به اهداف نامشروع و سلطه طلبی. این عمل از هر کسی صادر شود به آن ترور گفته می شود، چه اشخاص این کار را برای رسیدن اهداف نامشروع خود به کار بگیرد و چه دولت ها برای سلطه جویی و برتری طلبی خون انسان های بی گناه را بریزد ترور گفته می شود و به عنوان تروریسم است از نظر اسلام اعمال تروریستی چه از طرف اشخاص و چه از طرف دولت ها که باعث کشتن افراد بیگناه از قبیل زنان، کودکان و پیرمردان می گردد مصداق قتل نفس واز بین بردن نشئه انسانی و یک کار حرام است و آیه شریفه **وَلَا تَقْتُلُوا النَّفْسَ الَّتِي حَرَّمَ اللَّهُ** آن را شامل می شود گذشته از این که ترور، باعث قتل نفس است که حرمتش بیان شد، خدعه و نیرنگ است، از نظر اسلام خدعه و نیرنگ یک عمل شیطانی است به هیچ عنوان استفاده از آن روش را حتا در جنگ نیز اجازه نداده است.

در نتیجه گفته می شود که حق حیات در نصوص شرعی بصورت قاطع مورد حمایت قرار گرفته است و احدی را اجازه نیست که به عوامل و اهداف مختلف چنین حقی را سلب نمایند به غیر از چند مورد خاص و استثناء که آنها هم بخاطر حق الله بودنش مجاز قرار گرفته است. الله تبارک و تعالی عقوبت سختی را برای سلب کننده حیات در دنیا و آخرت مقرر داشته و از جمله جرایم نابخشیدنی محسوب کرده است.

منابع و ماخذ

۱. قرآنکریم
۲. اردوباری، احمد، ماده و حیات، تهران: انتشارات الهام، ۱۳۵۸.
۳. البخاری، صحیح البخاری أبواب الجزیه والموادع، باب إثم من قتل معاهدا بغير جرم (۹۹/۴)
۴. جرجانی، علی بن محمد، التعريفات بیروت: دارالکتاب العربی، ۱۴۰۵.
۵. جعفری، محمدتقی، تحقیق در دو نظام جهانی بشر از دیدگاه اسلام و غرب، ایران: خدمات حقوق بین المللی، ۱۳۸۳.
۶. روویر (H.Rouvier): کتاب حیات و هدفداری ترجمه دکتر عباس شیبانی، تهران: انتشارات شرکت سهام، بی تا.
۷. سنن ابی داوود باب فی تعظیم قتل
۸. شیبانی، أحمد لأحمد بن حنبل
۹. طباطبایی مومنی، منوچهر، آزادی های عمومی و حقوق بشر، تهران انتشارات دانشگاه، ۱۳۷۵.
۱۰. عبد الغنی بن عبد الواحد بن علی تقی الدین، تحریم القتل و تعظیمه، ریاض: دارالعلم، ۱۴۲۴.
۱۱. الغامدی، عبداللطیف بن سعید، حقوق الإنسان وأثرها فی تنویر ثقافه الطالب الجامعی، ریاض: جامعه نایف العربیه، بی تا.
۱۲. محمدتقی مصباح یزدی، حقوق و سیاست در قرآن، نگارش.
۱۳. مصطفی محقق داماد، «مبانی فلسفی حق حیات در نظام حقوقی اسلام»، فصلنامه دانشگاه شهید بهشتی.